

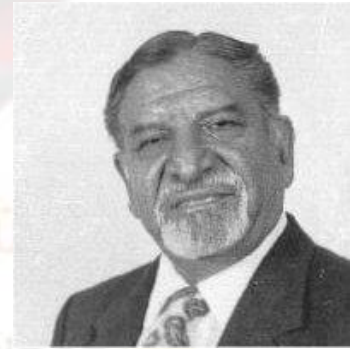


۲۰۱۷/۰۷/۳۰

سید خلیل الله هاشمیان

## یک شاهکار ادبی از طبع استاد بزرگوار اسحاق نگارگر

علمی که برای درک و فهم ابعاد ادب دری رول عمده بازی می کنند عبارتند از معانی - عروض - و بدیع و بیان در دوره تحصیل مادر دهه ۵۰ میلادی این سه علم در دیارتمنت زبان و ادبیات دری پوهنخی ادبیات تدریس می شد و خوشبختانه از قلم توانای مرحومین ملک الشعراء استاد قاری عبدالله و ملک الشعراء استاد صوفی عبدالحق بیتاب و استاد صلاح الدین سلجوقی آثاری در علوم مذکور بجا مانده بود که محصلین افغان را از آثار ایرانی بی نیاز می ساخت، اگرچه یک مقدار آثار ایرانی هم موجود بود و سفارش می شد. اما اسلوب نگارش کتاب های ایرانی و ابیاتی که به طور مثال ارائه شده بود، بیانگر ادب فارسی ایران بود و محصلین آثار وطنی خود مارا دلنشین تر و هم به خاطری سهلتر می پنداشتند که هرگاه با مشکلی در متون این آثار مواجه می شدند، که هر آئینه برای نو آموزان ابهامات و پیچیدگی ها کم نبود، از استادان مدرس استمداد می کردند. ما مدیون و مولود آن آثار و مدرسین آن و پوهنخی ادبیات و پوهنتون کابل استیم و برای استادان مرحوم پوهنخی ادبیات و پوهنتون جنت برین و برای پوهنتون کابل بقا و شهرت جاودان مسئلت می نمایم.



علم عروض با ساختمان سیلاب های زبان در شعر، وزن و قافیه و بحر ها در کلام موزون سر و کار دارد، مثلاً بحر رجز، رمل، هزج، کامل و غیره (جمله ۱۹ بحر)، اما علم بدیع و بیان، بدیع به معنی تازه و شگفت، و از این علم برای آرایش سخن و زینت کلام موزون استفاده می شود و این آرایش را در قالب "صنایع ادبی" یا "صنایع لفظی" جست و جو می کنند که انواع مختلف دارد، مثلاً تشبیه، استعاره، توریه، ایهام، مراعات النظیر، تضاد (چند نوع)، مبالغه، حسن تعلیل و غیره. در تشخیص این صنایع و رموز ساختمانی آنها علم معانی رهبری می کند. مقصد من درین نگارش صنعت (حسن تعلیل) است که از قلم جناب استاد نگارگر در مقاله ای به عنوان "دو نمونه از حسن تعلیل در شعر انگلیسی" به تاریخ ۱۲ جولای در وبسایت (آریانا افغانستان) منتشر شده است.

در باره این حسن تعلیل شاهکار از دو بیت انگلیسی و ترجمه (شعر به شعر) در سطور بعدی بیشتر صحبت خواهم کرد، ولی مطالعه این اثر ابتکاری استاد نگارگر تداعی را زنده ساخت که در حدود بیست سال قبل هنگامیکه آقای

ولی احمد نوری دیوان مرحوم سردار محمد رحیم شیون را طبع و یک جلد آنرا به مجله آئینه افغانستان اهداء کرده بود، پیرامون صنایع ادبی اشعار مرحوم شیون دو مقاله ازین قلم در مجله نشر شده بود، آنگاه مرحوم ملک الشعراء استاد محمد طاهر هاتف راجع به صنایع ادبی در دیوان مرحوم سردار رحیم شیون مقالاتی در شش شماره مجله آئینه افغانستان نشر کردند که با علاقمندی خاص شاعران و خوانندگان افغان استقبال گردید - مرحوم ملک الشعراء هاتف نمونه های نغزی از حُسن تعلیل را از دیوان سردار شیون انتخاب و این صنعت براننده ادبی را چنین تعریف کرده بودند:

"حسن تعلیل آنست که برای وصفی یا رویدادی علت لطیف و مناسب بیاورند، نه حقیقی و واقعی. پس اگر گفته شود که فلان عمارت سوخت چونکه برق هایش شارت شده بود، چون این علت واقعیست، حُسن تعلیل گفته نمی شود، اما اگر بگویند که چوب در آب فرو نمی رود و علت آن آنست که آب چوب را پرورانده و حالا شرمش می آید که پرورانیده خود را فرو برد، این علت واقعی نیست، چونکه علت واقعی سبکتر بودن وزن چوب نسبت به آب است، اما گوینده توجیه لطیف و مناسب نموده، که حُسن تعلیل گفته می شود. همچنان اگر گفته شود که فلان شخص محکوم به حبس گردید، زیرا دزدی کرده بود، چون علت واقعی دزدی است، پس درین جمله حسن تعلیل راه ندارد. ولی اگر به معشوقه گفته شود که موی تو به سببی سیاه است و رنگ ماتمی دارد که عاشق را کشته، حُسن تعلیل است، به سببی که گوینده علت عاشقانه و شاعرانه برایش درست کرده، و علت واقعی سیاهی موی چیز دیگری است."

چند نمونه حسن تعلیل در شعر از دیوان مرحوم سردار رحیم شیون، به انتخاب مرحوم استاد طاهر هاتف:

فرش مخمل بهر پای اندازت ای گل سبز کرد      قطره های اشک چشم ابر گریان بهار  
بهر تشریف تو دارد یک جهان انتظار      از گل بادام هر سو چشم حیران بهار

در بیت اول روئیدن سبزه توسط قطرات باران را پای انداز معشوق قرارداده، در حالیکه روئیدن سبزه در طبیعت علل دیگری دارد. در بیت دوم، گل بادام را به حیث چشم حیران بهار برای انتظار و پذیرایی معشوق خود به کار برده، در حالیکه گل بادام بنا بر خلقت خود زیبایی می آفریند.

عمریست فلک دشمن من گردیده

دل پر غم و درد مند تن گردیده

بیشک سبب حیات من در دنیا

نا بودن تکه کفن گردیده

شیون علت نمردن شاعر را که با درد و غم زنده مانده و اجلش نرسیده، برای بقای خود کمبود کفن را علت تراشیده. چند نمونه دیگر از حُسن تعلیل:

واژگون در نظر آمد به فلک قوس قزح      این نگون سازیش از هیبت ابروی تو بود

(هاتف) مگر فگند نگاهی بسوی غیر کز جرم آن بیک نظر اکنون دو بین شدم  
نه تنها می پرستانند از زاهد دل آزده دل تسبیح نیز از دست وی سوراخ سوراخ است  
خوشم از گریه خود گرچه همه خون دل است زانکه بوی تو زهر قطره خون می آید  
(از امیر خسرو دهلوی)

حضرت بیدل نیز از حسن تعلیل بسیار مثال ها دارد، مثلا:

هیچ عاقل نزند تیشه به پای آرام

از بهشتی که برون آمده آدم نیست

حسن تعلیل در ضرب المثل های عامیانه نیز دیده می شود، مثلا: "گوشت چوپان، میوه درویش".  
در مقاله استاد نگارگر ابتکار اول اینست که موضوع کثافت چوب را که مرحوم استاد طاهر هاتف در چند سطر مثل  
زده بودند، نگارگر در یک بیت و بسیار مقبول افاده کرده است:

چوب را آب فرومی نبرد، دانی چیست؟

شرمش آید ز فرو بردن پرورده خویش

و در باره مثال های انگلیسی ابتدا به ترجمه آزاد آن ازین قلم توجه فرمائید:

How roses came red گلاب ها چطور سرخ شدند؟

Roses at first were white گلاب ها در اول سفید بودند

Till they could not agree اما آن زمان با هم به توافق رسیدند

Whether my Sappho's breast که از جلو دیدار سفیدی پستان معشوق من

Or they more white should be یا سفیدی سفید تر از هر جلو دیگر

But, being vanquished quite, اما آنوقت که دیگر به کلی تسلیم و مغلوب گردید

A blush their cheeks be spread, و رخسارش از خجالت سرخ شد

Since which (believe the rest) از آن به بعد (باور کنید)

The roses first came red. بار اول گلاب ها نیز رنگ سرخ گرفتند.

( Robert Herrick, ۱۵۹۱-۱۶۳۳ - رابرت هیریک - ۱۵۹۱-۱۶۳۳ م )

و اکنون به ترجمه منظوم همان شعر انگلیسی از طبع استاد نگارگر توجه فرمائید:

گل سوری چگونه سرخ شد؟

گل سوری سپید بود نُخست در چمن ها گلاب سرخ نرُست

بر سیمین سافوی من دید رنگش از رخ پرید و دست گزید

از خجالت قیافه اش افروخت سخت در آتش حسادت سوخت

لاجرم چهره اش بشد گلگون رنگ شرمش بود عیان اکنون

ترجمه شعبه ای از علم معانی است و ترجمان با در نظر داشت رابطه معنی، از چوکات اصول ساختمان و دستور زبان خارج شده نمی تواند و متأسفانه چندان دسترسی به ابداع ندارد، از این جاست که ۹ سطر ترجمه من خشک و بیمزه می باشد، اما شاعر ماهر همان مطلب را در چهار بیت با دسته گلی چیده که از هر طرفش عطر بدیع می تراود – این تعبیر مرا نباید مداحی پنداشت که مجبوریتی برای آن احساس نشده، ولی به حیث یک شاگرد دبستان ادب دری از خواندن این شاهکار استاد نگارگر آنقدر حظ بردم که خود را مکلف به تشریح آن دیدم.

خداوند متعال به استاد نگارگر طبع سرشار اعطا کرده، که هم در زبان های دری و عربی مسلط است و هم علوم و فنون ادبی را فرا گرفته و شعر مقبول و بی عیب می سراید، چون افغان و دری زبان است و هم استاد زبان و ادبیات دری بوده، جامعه افغان او را به حیث یک دانشمند و شاعر نامدار زبان دری پذیرفته است - مقصد من در اینجا ذکر تسلط او هکذا به زبان انگلیسی و ترجمه شعر به شعر است – من هم زبان انگلیسی را می دانم، اما شعر انگلیسی را به شعر دری ترجمه نمی توانم، این کار بس مشکل است و من در افغانستان این قدرت و استعداد را در قلم دو افغان دیده ام: یکی مرحوم استاد عبدالرحمن پژواک که فقط یک بار ترجمه یک شعر انگلیسی را به شعر دری در شش بیت در واشنگتن به من نشان دادند (خدا کند نواسه اش آقای داکتر فرهاد پژواک همان قطعه را دوباره چاپ کند) - دیگری جناب استاد محمد اسحق نگارگر می باشد که اشعار انگلیسی را به سهولت و با حفظ نزاکت های ادبی و ایزاز صنایع بدیع در هر دو زبان برگردانده می تواند. توجه دوستداران ادب دری را به ترجمه منظوم دیگری معطوف میدارم – اما اول ترجمه آزاد از هاشمیان:

Dawn شفق

An angel, robed in spotless white, فرشته ای ملبس به پیراهن خالص سفید.

Bent down and kissed the sleeping night. خم شد و بوسه بر رخ شب خواب آلود زد.

Night woke to blush, the sprite was gone. شب از خجالت بیدار شد، اما دکه خورده بود.

Men saw the blush and called it dawn. مردم رنگ پریده او را دیدند و شفق نامیدند.

(Paul Laurance, ۱۸۷۲-۱۹۰۹ - پال لورنس، ۱۸۷۲-۱۹۰۹)

فرشته جامه بی لکه سفید به بر،

خمید و بر رخ شب بوسه ز مهر نهاد.

ز خواب شب بپرید و ز شرم قرمز شد

بدید مردم و آندم سپیده نامش داد.

استاد نگارگر هم نویسنده توانا و هم در علوم ادبی، فلسفی و دینی وارد می باشد و در حال حاضر در جامعه افغانی یک غنیمت براننده علمی به شمار می رود - او یک شخص به اصطلاح "یک دنده" و مسلمان خوب و هم وطن دوست صادق است؛ در بین ما شناخت قدیم وجود دارد و اختلاف نظرها هم موجود بوده، اما احترام شخصیت و علمیت او و خدماتی که از طریق رنگ قلم به مردم و فرهنگ افغانستان رسانده در نزد من همیشه محفوظ خواهد بود. هکذا من مدیون همکاری قلمی او برای سالیان دراز در مجله آئینه افغانستان می باشم. همین مقاله استاد نگارگر پیرامون "حسن تعلیل" که به کسب مشترک شاگردی مشترک ما ارتباط دارد، مرا جلب کرد تا این نوشته را بار اول در فیس بوک خود قید کنم. برای دوام صحتمندی و عمر این دوست قدیم صادقانه دعا می کنم و در انتظار ابداعات بیشتر شان می باشم.

سید خلیل الله هاشمیان ۲۵ جولای ۲۰۱۷